



انترناسیونال

۱۶۶

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۶ آبان ۱۳۸۵، ۱۷ نوامبر ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

مرده است که راه می رود

ناصر اصغری

صفحه ۶

در سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری

اطلاعیه حزب

صفحه ۹

یک سؤال از

سردبیر انترناسیونال

صفحه ۸

در گیری در زندان اوین
نامه سرگشاده خلیل کیوان به

دبیر کل سازمان

عفو بین الملل

صفحه ۷

تجمع هماهنگ کارگران پنج کارخانه

در مقابل استانداری کردستان

جواب محکمی به سفر احمدی نژاد

و هیئت دولتش در کردستان بود

صفحه ۵

پس از انتخابات در قاره آمریکا
نظم نوین جهانی و معضلاتش



علی جوادی

صفحه ۳

"سورپرایز اکتبر" متحقق نشد. وعده شروع يك جنگ ديگر را داده بودند. "خوشبختانه" شاهد آغاز درگیری نظامی میان دو قطب تروریستی جهان معاصر، تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی، نبودیم. هر چند که خطر جنگ را همچنان بالای سر جامعه گرفته اند. اما در عوض در نوامبر اتفاق دیگری صورت گرفت. از جنس دیگری، با ماهیستی متفاوت. نتیجه انتخابات میان دوره ای در آمریکا و انتخابات در نیکاراگوئه و پیش از آن در برزیل واقعیت دیگری را نشان داد. از آمریکای شمالی تا آمریکای جنوبی تغییرات سیاسی يك محور مشترك داشت. شکست سیاستهای راست و محافظه کارانه، شکست سیاست خصوصی سازی، شکست سیاست ریاضت اقتصادی، سیاست دست

این یک پاکسازی قومیت!
با تمام قوا در مقابله با یستیم



شهلا دانشفر

خارجی در ایران، که ظاهر کار وی اخراج و شکار کارگران مهاجر از جمله کارگران افغان، عراقی و پاکستانی در ایران است، اعلام شد. بنا به گزارشات دولتی اکنون حدود سه میلیون مهاجر افغان در ایران سکونت دارند که از این تعداد تنها ۹۰۰ هزار نفر مجوز اقامت و کار

صفحه ۲

طرح اخراج کارگران افغان، يك طرح تمام عیار فاشیستی برای پاکسازی کامل ایران از کارگران افغان است. جمهوری اسلامی برای اجرای این طرح تیم های ویژه ای مشتمل از وزارت کشور، نیروی انتظامی، دادستانی، و وزارت بازرگانی به همراه اعزام بازرسان وزارت کار به محلات کار جهت شکار کارگران افغان، سازمان داده است. این اقدامات و تبلیغات فاشیستی رژیم حول آن، دقیقاً با دور جنایات آلمان هیتلری و کوره های آدم سوزی آنست. بنا بر این طرح قرار است بیش از ۵۰۰ هزار کارگر افغان به همراه خانواده هایشان که جمعیتی میلیونی را در بر میگیرد از ایران اخراج شوند. این طرح از سوی محمد حسن صالحی مرام مدیر کل اتباع

حزب سیاسی مارکسیستی

بحثی مقدماتی پیرامون علنیت و حزبیت



سیاوش دانشور

میرد. این مقطع ویژه چهارچوب سیاسی و متحول جهانی و منطقه

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری و کل جنبش کمونیسم کارگری در مقطع ویژه ای از حیات سیاسی خود بسر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ این یک پاکسازی قومی است

دارند و بدین ترتیب بیش از دو میلیون مهاجر افغان بدون مجوز کار در ایران بسر میبرند که در این آمار محاسبه نشده است. صالحی مرام در توضیح این طرح فاشیستی گفت که کارفرمایان متخلف در قبال استخدام غیر مجاز کارگران افغان جریمه خواهند شد. اما در صورت همکاری در اجرای طرح، تسهیلات ویژه ای از جمله معافیت کارفرما از پرداخت جریمه و حق بیمه به آنان تعلق خواهد گرفت.

نزدیک به یازده سال است که جمهوری اسلامی سیاست فاشیستی پاکسازی قومی را در قبال مهاجران افغان به اجرا گذاشته است. در سال ۷۴ کمالی وزیر کار رسماً بخشنامه ای به کارخانه ها و کارگاهها و موسسات و همه مراکز کار داد و اعلام کرد که همه کارفرمایان باید کارگران خارجی را اخراج کنند و بجای آن کارگران ایرانی را استخدام کنند و در آن بخشنامه آمده بود که کارفرمایان و مدیران در صورت عدم اجرای این بخشنامه به دادگاه احضار و محاکمه و جریمه خواهند شد. در سال ۷۶ جمهوری اسلامی کار کارگران مهاجر در ایران را غیر قانونی اعلام کرد و در سال ۷۹ اخراج کارگران افغانستانی در بعد وسیعتری به اجرا گذاشته شد در ادامه این فشارها در سال ۸۳ جمهوری اسلامی اعلام داشت که این سال آخرین سال اقامت اتباع افغانستانی در ایران خواهد بود و دیگر اقامت پناهندگان کنونی نیز تمدید نخواهد شد. بنا بر بخشنامه وزارت کشور در سال ۸۳ مهاجرین افغان از حق اسکان و حق هر گونه امکانات زندگی محروم شده و ملزم شدند که فرزندانشان را از مدارس بیرون بکشند و تا پایان آن سال ایران را ترک کنند. اکنون نیز طرح ضربتی اخراج کارگران افغان از ۶ آبانماه جاری به اجرا گذاشته شده است. بدین ترتیب زندگی بیش از دو میلیون افغانستانی که تنها جرمشان داشتن شناسنامه های افغانی و یا تولد در افغانستان است به مخاطره افتاد و پروژه اخراج آنان از ایران شدت بیشتری پیدا کرد. جمهوری اسلامی در طول تمام این سالها کوشیده است که با دامن زدن به تبلیغات ناسیونالیستی و

فاشیستی علیه مهاجران افغان، در صفوف مبارزه کارگران تفرقه ایجاد کند و با تهاجم هر روزه به زندگی کارگران مهاجر افغان و تهدید دائمی آنها به اخراج، از نیروی کار ارزان آنان بیشترین سود را ببرد. رژیم اسلامی کوشیده است که با رشد بحران اقتصادی و گسترش ابعاد بیکاری در جامعه، بار این بحران را بر کرده کارگران و توده های مردم بیندازد و با تهاجمی گسترده بر کارگران مهاجر افغان به بقای خود ادامه دهد. در این میان خانه کارگر و شوراها ی اسلامی همواره یک بازوی مهم رژیم در پیشبرد این سیاست فاشیستی و دامن زدن به تبلیغات ضد کارگران مهاجر و بویژه علیه کارگران افغان بوده اند. اما کارگران در ایران که در کار و مبارزه خود در ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ با کارگران مهاجر و کارگران افغانستانی زندگی و کار کرده اند هیچگاه به این تبلیغات باور نداشته و از جمله در تمام این سالها و در اول مه ها یکی از بندهای قطعنامه های کارگران حمایت از کارگران افغانستانی بوده است. نمونه برجسته آن در سال ۸۲ در اصفهان بود. در آنجا هنگامیکه خانم جلودار زاده در سخنرانی خود در مراسم دولتی اول مه علیه کارگران افغان سخن میگفت، کارگران نساجیها در این شهر که در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود تجمع کرده بودند به تریبون وی حمله بردند و بساط مراسم دولتی خانه کارگر را بر هم زدند و به حمایت از کارگران افغان شعار دادند.

تبلیغات فاشیستی علیه کارگران مهاجر و بویژه کارگران افغان یک رکن دائمی سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در طول حیات آن بوده است. تبلیغاتی که اگر امروز حتی خفیف تر از آن را در بسیاری از کشورهای اروپایی طرح شود فوراً با موجی از اعتراض و بحث در مخالفت با آن روبرو میشود و مقامات مربوطه مورد شکایت و بازخواست مردم قرار میگیرند و حتی دادگاهی میشوند. اما ما امروز در ایران شاهد فاشیستی ترین و دست راستی ترین تبلیغات علیه مهاجران افغان هستیم.

امروز همه شواهد حاکی بر آن است که سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی در قبال کارگران مهاجر و اتباع افغانستان وارد فاز جدیدی شده است و ظاهراً مرحله نهایی اجرای پاکسازی قومی در ایران در دستور کار دولت قرار گرفته است. ابعاد بحرانی بیکاری در ایران، موج بیکارسازیها، بحران اقتصادی رژیم و گسترش اعتراضات کارگری عواملی است که اجرای چنین سیاستی را برای رژیم بیش از گذشته شدت داده است.

پاکسازی قومی علیه دو میلیون انسان فقط با جنایات نازی ها قابل مقایسه است. این دو میلیون نفر که عمدتاً منشاء افغانستانی دارند سالهاست که در ایران زندگی میکنند، ازدواج کرده، بچه دار شده و خانه و آشیانه ای برای خود ساخته اند. بخش عمده مهاجرین افغانستانی از بی حقوق ترین و ارزاترین بخش طبقه کارگر ایران هستند که همواره در ناامنی، خطر اخراج، دستگیری و آزار و محرومیت مطلق بسر برده و از همان حقوق ناچیز یک شهروند ایرانی نیز محروم بوده اند. تحت این فشارها این کارگران همواره ناگزیر بوده اند به بدترین شرایط کار در ایران، با پایین ترین دستمزد و به نایمترین شرایط کاری و به انواع و اقسام کار سیاه، کارهایی سخت همراه با خطرات جانی تن بدهند تا شکم خود و خانواده شان را سیر نگه دارند. درصد بالایی از سوانح کار در ایران مربوط به همین کارگران است که عمدتاً در سوانح ساختمانی و سقوط از ارتفاع و یا خفه شدن در چاه جان خود را از دست داده اند. حدود بیست درصد مهاجرین ساکن ایران نیز از شهرهای مختلف عراق به ایران مهاجرت کرده اند که در طول اقامتشان همواره با آذیت و آزار و تهدید به اخراج و بی تأمینی مواجه بوده اند.

بهبانه اخراج این انسانها همان استدلال فاشیستی همیشگی، یعنی "ایجاد اشتغال برای کارگران بومی" است. با همین استدلال صالحی مرام وزیر اتباع خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به جایگزینی نیروهای ایرانی به جای کارگران افغان از نقش بسزای این طرح در کاهش نرخ بیکاری در ایران سخن میگوید. اما کیست که امروز بر این

استدلالات آشنا که در سر لوحه برنامه همه احزاب نازیستی و فاشیست قرار دارد باور داشته باشد. مسبب بیکاری در ایران مهاجرین نیستند، همچنان که مسبب بیکاری در آلمان، کانادا، یا ژاپن کارگران مهاجر نیستند. بیکاری محصول نظام سرمایه داری و در اوضاع کنونی بویژه ناشی از خود جمهوری اسلامی است. اگر قرار است مردم از بیکاری و فقر و فلاکت بی مانندی که در ایران حاکم است رها شوند، قبل از همه باید از شر جمهوری اسلامی رها شد. از سوی دیگر استدلال دیگری که در چند ساله اخیر بهانه ای برای اخراج مهاجران افغان از ایران شده است، امن شدن افغانستان است. در سال ۸۳ بود که جمهوری اسلامی با پیش کشیدن این موضوع و در معیت سازمان ملل و در توافق با دولت کنونی شتاب بیشتری به امر اخراج مهاجران افغان از ایران داد. پوچی و بی معنی بودن این استدلال نیز امروز بر کسی پنهان نیست. همه شواهد امروز حاکی از آنست که جنگ و درگیری گروهها و دستجات قومی با دولت دست ساز آمریکا همچنان ادامه دارد و شیرازه جامعه افغانستان همچنان از هم گسیخته است. بعلاوه اینکه اخراج اجباری مهاجران افغانستانی که سالها در ایران زندگی کرده و در آنجا خانواده و خویشاوندانی دارند زندگی میلیونها انسان را در ایران به تباهی و از هم گسیختگی میکشاند و یادآور پاکسازی قومی فاشیسم هیتلرست. گوشه کوچکی از این سیاست فاشیستی در قبال اتباع افغانستانی اینست که از همان سال ۸۳ که طرح اخراج فوری مهاجران افغان از ایران اعلام شد، جمهوری اسلامی از ثبت ازدواج زنان ایرانی با افغان ها سرباز زد و بنا به آمار دولتی که در همان سال منتشر گردید، در صورت بازگرداندن مهاجران افغان به افغانستان ۴۰ هزار زن ایرانی با ۱۰۰ هزار کودک بی هویت مجبور به ترک ایران میشدند و این به معنی محرومیت این کودکان از تحصیل و از هر نوع تأمین اجتماعی است. بویژه اینکه زنان ایرانی در افغانستان نیز پذیرفته نمیشوند چون این کشور دو تابعه بودن را نمیپذیرد. به عبارت روشنتر معنی عملی این سیاست تلاشی هزاران خانواده

افغانستانی که سالها در ایران زندگی کرده اند، تحمیل جدایی ها و طلاقهای اجباری به آنان و بی خانمانی و دربدری دو میلیون خانواده مهاجران افغانستانی است. از جمله در طول همین دو ساله و شدت گرفتن فشار بر مهاجران افغان خانواده های زیادی متلاشی شده و سرنوشت انسانهای بسیاری به تباهی کشیده شده و بخش عمده آنان راهی اردوگاههای اجباری شده اند.

رژیم اسلامی برای اجرای سیاست پاکسازی قومی خود و اخراج مهاجران افغان از ایران، هم اکنون تسلیحات کشیف ناسیونالیستی، فاشیستی را دامن زده و کمپینی وسیع علیه افغانستانی ها و کارگران مهاجر برافراشته است. در این تبلیغات صحبت از این میشود که کارگر مهاجر فرهنگ کار در جامعه را فاسد کرده است، کارگر افغانی دزد، قاچاقچی و جنایتکار است، کارگر افغانی عامل سرایت بیماری است و غیره و غیره.

رژیم سعی میکند که با این تبلیغات سیاه افکار عمومی را علیه کارگران مهاجر بسیج کند. طرح ضربتی اخراج مهاجران افغان از ایران یک پاکسازی قومی آشکار است که یادآور جنایات نازیست ها و کوره های آدم سوزی آنهاست. سیاستی است که اجرای آن آنچنان ابعاد تراژیک و انسانی ای بدنبال خواهد داشت که برای همیشه در تاریخ ثبت خواهد ماند. باید جلوی این جنایت فاشیستی رژیم را گرفت. اوضاع سیاسی امروز ایران و جو اعتراضی موجود در جنبش کارگری امروز زمینه پشتیبانی و همبستگی با این کارگران را نسبت به گذشته بسیار بیشتر کرده است. امروز دیگر تبلیغاتی از این قبیل و اینکه اخراج کارگر مهاجر میتواند اشتغال ایجاد کند را نمیتوان حتی بخورد عقب مانده ترین کارگر داد. هیچ انسان شریفی که به مرض ناسیونالیسم مبتلا نباشد به این مزخرفات گوش نخواهد داد. امروز کارگر در ایران بیش از هر وقت میدانند که عامل اینهمه فقر و استثمار چیست. همین هفته گذشته بود که کارگران کاغذ سازی فریاد میزدند که چرا پولهای کلان به حساب تروریست های حماس واریز میشود اما دستمزد

از صفحه ۱ پس از انتخابات در قاره آمریکا

عنان گسیخته نامرئی بازار در تعیین سرنوشت جامعه. آیا این تغییرات سر آغاز شکست سیاست نظم نوین جهانی است؟ آیا کنار گذاشته شدن دانالد رامزفلد بیانگر آغاز افول سیاسی و استراتژی جناح "نو محافظه کاران" در هیات حاکمه آمریکا است؟

سئوالات بسیاری باید پاسخ بگیرند؟ پی آمدهای تغییر و تحولات کنونی در حوزه سیاستهای استراتژیک آمریکا کدامند؟ تاثیر این وضعیت جدید بر رقابتهای کشمکشهای بین المللی و بطور مشخص دو قطب تروریستی چیست؟ چه تغییرات احتمالی در سیاست آمریکا در قبال عراق صورت خواهد گرفت؟ معنای انتصاب رابرت گیتس به سمت وزارت دفاع آمریکا چیست؟ سیاست "رژیم چنج" پس از این تغییرات در کجای تصویر قرار میگیرد؟ مناقشات رژیم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا چگونه تحت تاثیر این تحولات قرار خواهد گرفت؟ از طرف دیگر شکست در سیاستهای دست راستی در امریکای لاتین چه معنایی به شکست راست افراطی در امریکای شمالی می بخشد؟

آغاز پایان "نو محافظه کاران"

انتخابات میان دوره ای آمریکا صرفاً یک دست به دست شدن عادی و همیشگی در حاکمیت و جناحهای آمریکا نیست؛ پدیده ای فراتر و گسترده تر است. یک چرخش سیاسی است. آغاز یک پایان در یک دوره استراتژیک از سیاست بورژوازی آمریکا است. کنگره آمریکا پس از دوازده سال دست به دست شده است. جمهوریخواهان کرسی های بسیاری را در کنگره و سنای آمریکا و کنترل هر دو مجلس را از دست دادند. دانالد رامزفلد مرد دست راست بوش و ارشیتکت سیاستهای "نو محافظه کاران" و طراح جنگ عراق قربانی اول این شکست سیاسی بود. این تحولات در مجموع نشان یک چرخش و شکست است. شکست یک استراتژی، شکست یک سیاست دوره ای، شکست استراتژی و دکترینهای نظامی در متن درگیری در یک

جنگ همه جانبه در عراق. جانب دار ترین مفسرین بورژوازی هم اذعان میکنند که انتخابات آمریکا در حقیقت رفراندومی بر علیه سیاستهای حاکم بود. یک شکست بود. رفراندومی که دست رد به سیاست جنگ طلبی هیات حاکمه آمریکا زد. افکار عمومی آمریکا بر علیه هیات حاکمه آمریکا چرخید. و نو محافظه کاران قادر نشدند بار دیگر پارادایم "جنگ طولانی علیه ترور" را به مردم در آمریکا حقه کنند. اما در آمریکا نظر به غیاب احزاب آزادخواه و برابری طلب و کمونیست در سیاست رسمی جامعه، محصول ناشی از این تغییر و تحولات به کیسه حزب دمکرات، بخش دیگر هیات حاکمه آمریکا، ریخته شد.

اکنون شکاف و تشتت در هیات حاکمه آمریکا ابعاد چشمگیری بخود گرفته است. رامزفلد به کناری رفته است. شکست سیاست نظامی آمریکا در عراق کاملاً مشهود است. رامزفلد اولین قربانی این شکست در کاخ سفید بود، اما مسلماً آخرین آن خواهد بود. جان بولتن نفر نماینده آمریکا در سازمان ملل در نوبت بعدی است. سرنوشت دیک چینی سرنوشت باند نو محافظه کاران را کاملاً رقم خواهد زد.

اما انتخابات در امریکای شمالی تنها گوشه ای از انتخابات و تغییراتی است که در قاره آمریکا صورت گرفته است. انتخابات در برزیل از یک طرف و انتخابات در نیکاراگوئه گوشه دیگر این تحولاتی است که اکنون شاهد آن هستیم. در برزیل لولا بار دیگر با رای قابل ملاحظه ای، علیرغم سیاستها و تشبثات جریان دست راستی، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد و بیش از ۶۰ درصد آراء مردم را از آن خود کرد. در برزیل محافظه کاری و سیاستهای دست راستی دو بار شکست خورد. بار پیش در دوره پیشین ریاست جمهوری. کارنامه لولا یک گسست از مناسبات اقتصادی سرمایه داری نیست، اعمال محدودیتهایی محدود بر لجام گسیختگی نظامی اقتصادی است که در هر حرکتش برای انباشت و سود آوری هر آنچه را که در مقابل خود یابد، بدون درنگ و در صورت

امکان نابود خواهد کرد. لولا تغییری در مناسبات اقتصادی سرمایه داری که شرط لازم ایجاد و رهایی اقتصادی مردم است ایجاد نکرد. تنها به میزانی جلوی لجام گسیختگی حرکت سرمایه را گرفت. تقلیل ۳۰ درصدی فقر و ارتقاء و بهبود زندگی فقرا در برزیل آن عامل اصلی بود که لولا را برای بار دوم به ریاست جمهوری رساند.

در نیکاراگوئه اما تقابل عمیق تر، قدیمی تر و همه جانبه تر بود. سفارت آمریکا از پیش خط و نشان کشیده بود. گذشته سیاه را به نیکاراگوئه وعده میداد. گذشته تحریم اقتصادی، گذشته کنترتها، گذشته جنگ و تقابل و خونریزی. اما مردم وقعی نگذاشتند، علیرغم تهدیدات آمریکا به دانیال اورتگا رهبر ساندنیستها برای خلاصی از شر سیاستهای دست راستی و محافظه کارانه روی آوردند. سفارت آمریکا مذبحخانه حتی تلاش کرد تا مشروعیت انتخابات را مورد سؤال قرار دهد. پوچ بودن این ادعای سفارت آمریکا را نیز حتی "مرکز کارتر" رد کرد. چگونه حزبی در اپوزیسیون میتواند در انتخابات دستبرد بزند؟! دانیال اورتگا کمونیست نیست. مارکسیست سابق هم نیست. اما مردم مرعوب تبلیغات سفارت آمریکا در ماناگوا نشدند.

انتخابات در امریکای شمالی، انتخابات در امریکای لاتین، بادهایی که آغاز به وزیدن کرده اند، بیش از هر چیز مهر و نشان آغاز پایان یک دوره را بر خود دارند. این تحولات به نوعی دست ردی است بر ابعادی از سیاستهای نظم نوینی و همچنین سیاستهای اقتصادی لجام گسیخته سرمایه در دوران پس از جنگ سرد. مولفه های این تغییر سیاست چگونه از آمریکا به خاورمیانه کشیده میشوند؟ محورهای مشترک کدامست؟

جنگ در عراق: شکست نظامی، سر در گمی سیاسی

هیات حاکمه آمریکا در یک موقعیت خطیر و تعیین کننده در خاورمیانه قرار گرفته است. آمریکا در عراق در یک مخصصه و مرداب خود ساخته گیر کرده است. چه باید کرد؟ کدام استراتژی را باید دنبال کرد؟ خروج فوری، خروج زمان بندی

شده، یا گسترش ابعاد درگیری نظامی و تلاش برای پیروزی نظامی؟ اینها آلترناتیوهای استراتژیکی هستند که در هیات حاکمه آمریکا مورد بررسی قرار دارند.

اولین مشاهده در عراق که بسیاری از بخشهای بورژوازی به آن اذعان دارند این است که آمریکا در جنگ حاضر، پس از سرنگونی صدام حسین، چشم انداز پیروزی نظامی یک طرفه ندارد. این بن بست است که آمریکا در آن گرفتار شده است. جنگ دو قطب تروریستی، جنگ ماشین نظامی آمریکا و اسلام سیاسی، جنگ داخلی و فرقه ای، امکان پیروزی نظامی ساده ای را در مقابل آمریکا قرار نمیدهد. چرا؟ آمریکا در پس سرنگونی رژیم صدام حسین دست به کار شکل دادن و ساختن قدرتی مرکب از شاخه های مختلف اسلام سیاسی و جریانات قومپرست و ناسیونالیست بر مبنای یک فدرالیسم قومی و مذهبی شد. جریانات اسلامی اکنون اهمیهای اصلی قدرت دولتی در عراق را در کنترل خود دارند. حتی بخشی از شاخه های تروریستی خارج از قدرت توانسته اند خود را به بخشی از قدرت سیاسی تبدیل کنند. جریان مقتدا صدر یک نمونه بارز در این چهارچوب است. در عراق اکنون بخشهای کلیدی گروههای تروریستی خود بخشی از هیات حاکمه و بخشی از نیروهای انتظامی اند. خود عاملین کشتار و قتل بخشهایی از مردم هستند. میلیتاریسم آمریکا برای پیروزی نظامی نیازمند افزایش ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصدی حضور نیروهای نظامی خود است. اما علیرغم تلاش برخی از کله شق ترین باندهای دست راستی، در حال حاضر چنین امکان لجستیکی برای آمریکا فراهم نیست. اوضاع جهانی و اوضاع داخلی آمریکا چنین اجازه ای به کاخ سفید نخواهد داد. بعلاوه یک شرط پیروزی نظامی آمریکا در عراق کنار زدن هیات حاکمه فعلی، پایان دادن به کشمکشهای درونی این حاکمیت و یکسره کردن تکلیف به نفع یک جریان پرو آمریکایی - نظامی در حاکمیت عراق است. تحقق چنین شرطی مستلزم انجام یک کودتای نظامی مانند کودتاهای ژنرالها در امریکای لاتین و روی کار

آمدن یک هیات حاکمه نظامی است. تحقق چنین شرایطی نمیتواند فقط توسط ماشین نظامی آمریکا انجام شود. عروج چنین آلترناتیوی در صورتی ممکن است که جناحی و یا باندهای از چنان قدرتی برخوردار باشد که بتواند شرایط جامعه را به دوران صدام برگرداند و جناحهای رقیب و متخاصم را سرکوب و قتل عام کند. این تحول در عین حال مستلزم عروج نوعی از ناسیونالیسم عراقی بمنظور چسب داخلی چنین پروژه ای است. ثالثاً آمریکا در عراق با جمهوری اسلامی روبروست. هر گونه تغییر جدی بالانس فعلی به ناچار پای رژیم اسلامی را به اشکال دیگری به میدان خواهد کشید. یا مقابله یا مذاکره؟ مجموعه موقعیت نظامی و سیاسی آمریکا در عراق نشانگر بن بست است که آمریکا به آن دچار شده است. راه پیشروی نظامی علیرغم تلاشهای کاخ سفید و جریانات اولترا راست محافظه کار عملاً سد است. از این روست که بخشهایی از هیات حاکمه به تکاپو برای جستجوی راه حلی افتاده اند. راه حلی که بتوان از تکرار سیندروم ویتنام برای آمریکا جلوگیری کند. راه حلی که بتواند جلوی شکاف بیشتر در موقعیت جهانی آمریکا را سد کند و در عین حال راهی برای خروج از وضعیت فعلی باشد. بی دلیل نیست که رابرت گیتس که رئیس سازمان جهنمی سیا در دوران سقوط شوروی بوده است جایگزین دانالد رامزفلد میشود. معنای این تعویض به درجه ای قبول شکست استراتژی نظامی آمریکا در عراق و تلاش برای نجات و پرهیز از شکست سیاسی است. تخصص گیتس نه در عرصه سازماندهی نظامی و یافتن راه حل نظامی بلکه عملاً در عرصه سیاست تبلیغاتی نظامی است. آیا چنین راه حلی موجود است؟ تیمی که اکنون جیمز بیکر وزیر خارجه دوران جورج بوش پدر مسئولیت آن را بعداً گرفته است، هدفش دستیابی به چنین سیاستی است. اما دستیابی و تحقق این هدف مستلزم تلاش هرکولی است. بعضاً یک غیر ممکن سیاسی است. آمریکا نمیتواند در عرصه نظامی فاقد امکان پیروزی باشد و در عین حال بدنال پیروزی سیاسی در یک جنگ باشد. هدف هر سیاستی در

از صفحه ۱ حزب سیاسی مارکسیستی

ای و بویژه اوضاع سیاسی در ایران و نقشی است که کمونیسم ایندوره میتواند و باید ایفا کند. ما داریم سرعت وارد یک دوره تعیین کننده سیاسی می‌شویم که باید قادر باشیم کارهایی در ابعاد میلیونی و پراتیکی انقلابی و دوران ساز را به فرجام برسانیم. حزب ما و جنبش ما باید تماما متکی به سنتی از کار و مبارزه سیاسی شود که خود ویژه است، با مختصات دوره خود خوانائی دارد، از جنبشهای دیگر اخذ نشده است، و متاخترترین و مدرنترین سنت حزبی سیاسی مارکسیستی است. ما هنوز در تلاش شکل دادن به یک حزب سیاسی مارکسیستی هستیم که بالقوه و بالفعل توان این را داشته باشد که در جدالهای زیر و رو کننده اجتماعی در یک مقیاس وسیع دخالت کند، تاثیر بگذارد، توازن قوا را هر روز تغییر دهد، شرایط را به نفع اهداف طبقاتی و کمونیستی و انسانی خود بهتر کند، و با جلب و جذب نیروی عظیمی قادر شود بورژوازی و طبقات دارا را شکست دهد و برنامه آزادیخواهانه خود را اجرا کند. با توجه به شتاب تحولات سیاسی در ایران وقت زیادی هم برای اینکار نداریم. در این زمینه مسیری که ما طی کرده ایم ساده و خطی نبوده است. هر لحظه و هر مقطع آن حاصل جدالهای فکری و متکی به نقد سنتهای رایج غیر اجتماعی و فرقه‌ای در میان چپ غیر کارگری و غیر اجتماعی و تلاش برای احیا سنت مارکسیستی بوده است. آنچه که امروز هستیم محصول قریب سه دهه مبارزه کمونیستی پرفراز و نشیب است. این روند اما کامل نشده است و ما هنوز در یک پروسه انتقالی بسر می‌بریم. نه آن حزب مورد نیاز را با تمام خصوصیات آن داریم و نه متکی به سنتها و رفتارهای رایج قدیم و غیر موثر هستیم. ما باید سنت حزبی ویژه کمونیسم کارگری و فرهنگ سیاسی رایج فعالیت کمونیستی کارگری را بسازیم و تثبیت کنیم. چنین حزبی از نظر منش و فرهنگ سیاسی و حزبی و روشهای تشکیلاتی و سبک کار سیمائی متفاوت با تجارب تاکنونی در چپ دارد. این سنت حزب کمونیستی از پیش موجود

نبوده و یا اگر مشابه آن بوده برای دوره ما ناکافی است. باید ساخته شود. ما مرتبا در این مسیر جلو آمدیم و باید باز هم جلو برویم. این پروسه بخشی مهم از تامین آمادگی حزب برای تبدیل شدن به یک حزب قدرتمند اجتماعی و غیر قابل حذف در جدال سیاسی است. این پروسه بخشی از ایجاد آمادگی سیاسی و تشکیلاتی کمونیسم امروز بعنوان یک جنبش مدرن سیاسی برای آزادی جامعه است.

مبحث علنیت و حزیت مجدداً به روی میز رهبری حزب آمده است. می‌گویم مجدداً، چون در دوره های مختلف بویژه بعد از کنگره دوم در باره وجه علنیت و همینطور در مورد جوانب و مختصات حزب کمونیستی صحبت کرده ایم و دستاوردهای مهمی داشتیم. ادامه این بحث هم مهم است و هم پیشبرنده. ادامه این بحث از اینرو مهم است که کمونیسم کارگری هنوز فاقد یک سنت جافته تشکیلاتی و حزبی است. دلایل این امر تاریخی اند. جدائی تاریخی کمونیسم از کارگر و از مارکسیسم بعد از شکست انقلاب اکتبر نتایج بشدت مخربی برای جنبش کمونیستی طبقه کارگر و احزاب سیاسی اش ببار آورد. یک نتیجه این شیفت تاریخی تضعیف سنت تشکیلاتی و سازمانی کمونیسم در قالب احزاب کمونیستی کارگری اجتماعی و مارکسیستی بوده است. جریان ما از انقلاب ایران تا امروز و در دوره های متفاوت، در عین تلاش پیگیر برای توضیح و تثبیت کمونیسم چیست و مارکسیسم چیست و هدف فوری مبارزه کمونیستی چیست، تلاش کرده است از زویه سازمانی و حزبی و ساختن حزبی اجتماعی و سیاسی، نگرش خود را مطرح و صیقل دهد و با نقد سنتهای رایج چپ سنتی و جهان سومی و میلیتاریستی سنت ویژه سازمانی و حزبی و جنبشی خود را بنیان نهد. این کار بشدت سخت و پر مشقتی بوده، هنوز کامل نشده است و امروز باید به فرجام نهائی خود برسد. یعنی پیشروی در ساختن یک حزب سیاسی و اجتماعی مارکسیستی و مدرن و علنی و محکم و قدرتمند. علنیت و شفافیت

علنیت و شفافیت يك اصل ناظر بر فعالیت سیاسی حزب است. حزب سیاسی شرکت خصوصی یا اجتماع دوستان قدیم نیست، حزب سیاسی است که می‌خواهد کاری بزرگ در جامعه صورت دهد و امرش مربوط به بیرون خود و جامعه است. حزب ما سیاست را مربوط به جامعه میداند و تاکنون چیزی برای پنهان کردن از جامعه نداشته است و نباید داشته باشد. حتی در سطحی دیگر مباحث جاری و روتین در یک حزب سیاسی مباحث شخصی نیستند، تنها نظرات افراد نیستند، مباحثی مربوط به اهداف اجتماعی حزب و به این اعتبار مربوط به جامعه اند. منظور از علنیت و شفافیت صرفاً نباید نقد مخفی کاری و روشهای تاکتونی ترجمه شود، این روشها اجتماعاً نقد شدند و موضوعیت اجتماعی ندارد. بقایای چنین روشهایی بسرعت هر حزبی را زمینگیر میکند. مسئله اینست که بدون داشتن یک حزب تماماً علنی و شفاف که هر کسی و با هر عینک غیر مسلحی بتواند آن را ببیند و قضاوت کند، بحثی از توده‌ای شدن و اجتماعی شدن کمونیسم نمیتواند در میان باشد. علنیت یک وجه مهم تصویر سنت حزبی کمونیسم کارگری است. امری که در فردای پیروزی انقلاب کارگری نیز باید در ابعاد وسیعی بکار گرفته شود و بعنوان یک سد عظیم در مقابل توطئه گری بورژوازی استفاده شود. کار ما اینست که اولاً، دستاوردهای تاکنونی در این زمینه را به بهترین وجهی عملی و تثبیت کنیم و ثانیاً، یک گام بزرگ دیگر متناسب با اوضاع و نیازهای امروز برداریم. علنیت، دستاوردهای تاکنونی بحث علنیت برای حزب ما بحثی جدید نیست. اما در این زمینه هنوز باندازه نیاز و الزامات مبارزه سیاسی پیش نرفته ایم. در تصویر حزبی ما هیچوقت افراد بی چهره و یا ابزاری در خدمت "سازمان" یا ماشین موهوم حزبی نبودند و نیستند. اولین سنت بلشویکی که جریان ما احیا کرد نوشتن امضا در پای مقالات بود. امری که دیروز و امروز و فردا هر ناظری میتواند تشخیص دهد که مسئولیت فلان سیاست و یا فلان نظر و جهتگیری بعهده کدام فرد یا شخصیت معین در فلان دوره خاص است. امری که

به من و شما امکان میدهد تفاوت بوخارین و استالین و لنین و تروتسکی و دیگران را در روند انقلاب روسیه تشخیص دهیم و قضاوت ابژکتیوی داشته باشیم. در چپ ایران این سنت ابداً وجود نداشت و هنوز کسی بدرست نمیداند یا اسنادی برای مراجعه وجود ندارند تا مثلاً جامعه بداند مسئول بردن اکثریت سازمان فدائی پشت سر خمینی چه کسی بود. از این نقاط کور در تاریخ سیاسی ایران فراوانند. امضای مقالات این سنت را کنار زد، سنتی لنینی را احیا کرد و به فرد و شخصیت متشکل کمونیست امکان ابراز وجود داد و متقابلاً به جامعه امکان داد تا نظرات و تمایلات را در یک جریان سیاسی ببیند و بشناسد. این یک وجه علنیت و فاصله گیری از سنتهای غیر کارگری چپ سنتی بود. وجه های مهمتری در پرتو مباحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی در تصویر ما قرار گرفتند. مثلاً اینکه کمونیستها باید چهره های سیاسی و جزو الیت سیاسی معتبر دوران خودشان باشند. یا اینکه حزب بعنوان یک ابزار طبقه کارگر و جامعه باید در دسترس مردم باشد. شناخته شده و معتبر و قابل دیدن باشد. بشود با رهبرانش حرف زد و سوال کرد و پاسخ خواست. هم افراد و هم رهبری یک حزب سیاسی و هم خود حزب سیاسی برای جامعه باید قابل دسترس شود تا جامعه این شانس را پیدا کند و یک انتخاب چپ و معتبر داشته باشد. اینکه تنها راستها نباشند که همیشه میداندار سیاست و قدرت اند. این اقدام انقلابی با علنی شدن چهره های کمونیست، با برگزاری کنگره ها و کنفرانسهای علنی تشکیلاتی در سطوح مختلف پیش رفت و چهره حزب را دگرگون کرد. بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه شاهراه پیشروی ما در در این زمینه را روشن کرده است. همینطور جایگاه فرد در حزب و رابطه فرد و حزب ترسیم شد. نقش فرد و شخصیت در پیشبرد مبارزه کمونیستی که اساساً مبارزه ای اجتماعی است بیشتر تاکید شد. اعلام نظر بعنوان افراد و چهره های کمونیست و قلم زدن و حرف زدن و نوشتن و وارد جدال شدن به وجهی از مجموعه مبارزه کمونیستی تبدیل

شد. در حزب کمونیست کارگری افراد با نام خودشان اطلاعیه میدهند، موضع میگیرند، نشریه و سایت و پروژه شخصی دارند، کمپین معینی را سازماندهی میکنند، عرصه های جدید را به روی مبارزه کمونیستی می‌گشایند، از مکانیزمهای اجتماعی جامعه که اساساً مکانیزمهای قدرت و جذب نیرو اند برای پیشبرد تلاش کمونیستی استفاده میکنند. در جامعه نیز این سنتها تا جایی که جا افتاده است بسرعت در اشکال ابراز وجود و روش مبارزه توسط فعالین اخذ شده و پراتیک شده است. مورد آخر آن بحث تعیین یابی رهبران عملی جنبشهای اعتراضی حمید تقوایی است که این سنت را در ایران اختناق زده بصورت علنی به میان صفی از رهبران عملی مبارزات آزادیخواهانه برد. اینترنت و انقلاب انفورماتیک و شکستن دیوارهای اختناق توسط دستاوردهای بشریت، دریچه عظیمی را به روی این روند علنی ابراز وجود باز کرد و طولی نکشید که دیوارهای پوسیده و موهوم سازمانی و سنتهای قدیم یک شبه فرو ریختند. این مجموعه با تمام مشکلات و کج و راست رفتن ها، یک روند پیشرو و لازم و حیاتی در مسیر ساختن یک حزب سیاسی و اجتماعی مارکسیستی بودند. ما هنوز در این چهارچوب دنیائی کار داریم، هنوز باید دهها برابر جلو برویم.

مبارزه ماهیتا علنی است

در سطح جامعه نیز مبارزه سیاسی علنی است. رو در رو است و در مرکز جامعه صورت میگیرد. امروز کارگر و زن و جوان نمیتواند مخفی حرف بزند و مخفی مبارزه کند. حتماً برای مقابله با اختناق بخشهایی از کار و تلاشش را از چشم پلیس سیاسی دور نگه میدارد، اما آنجا که باید با کارفرما و دولت و قوه قهریه دربیافتد و از حق و آزادی و حرمت بشر دفاع کند، علیرغم اینکه تا چه اندازه اختناق به دامنه عملش محدودیت می‌گذارد، علنی مبارزه میکند و علنی حرف میزند. در سطوح مختلف نیز جدال برای شرکت در قدرت، گرفتن قدرت، پس زدن قدرت و قانون، تغییر و بهبود اوضاع جامعه بصورت علنی

تجمع هماهنگ کارگران پنج کارخانه در مقابل استانداری کردستان جواب محکمی به سفر احمدی نژاد و هیئت دولتش در کردستان بود

خلاصه ای از اطلاعیه های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

روز ۲۵ آبان ۱۳۸۵ از ساعت ۹ صبح کارگران کارخانه های نساجی کردستان، نساجی شاهو، نساجی پریس، الومین و علوم پزشکی در اعتراض به موقعیت فرودستی که به کارگران تحمیل شده است در مقابل استانداری تجمع کردند. در حالی که تجمع اولیه بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران حضور داشتند هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان و حمایت کنندگان افزوده میشد. نیروی انتظامی وارد عمل شد و نیروهای گارد ویژه را در محل مستقر کردند و تعداد زیادی لباس شخصی خیابانهای اطراف را محاصره کرده بودند تا مردم به صف اعتراضی کارگران نپیوندند. کارگران مطالبات خود را اینچنین اعلام کردند:

- بازگشت به کار کارگران اخراجی
- پرداخت بیمه بیکاری
- لغو قراردادهای موقت
- پرداخت حقوقهای معوقه کارگران
- مذاکره با وزیر کار
- کارگران خواهان مذاکره و پاسخگویی وزیر کار شدند. لازم به توضیح است که وزیر کار و هیئت

دولت همراه احمدی نژاد در استان کردستان بسر میبرند. کارگران شدت به وضعیت تحمیل شده بخود معترض هستند. یکی از مقامات استانداری و رئیس اداره اطلاعات رژیم اسلامی در سنندج به میان کارگران آمدند و اعلام کردند ساعت یک بعدازظهر وزیر کار با نمایندگان کارگران مذاکره خواهد کرد.

کارگران بلافاصله نمایندگان خود را انتخاب کردند. از طرف نساجی کردستان شیث امانی از طرف شاهو فریدون پالیزی و خالد سواری از طرف الومین علی عباسی و رامین قرینه ای از طرف پریس بهزاد سهرابی و از طرف علوم پزشکی خانم متولی بعنوان نمایندگان کارگران انتخاب و برای مذاکره آماده و معرفی شدند. این تجمع که از ساعت ۹ تا ۱۱ ادامه داشت. کارگران اعلام کردند ساعت ۳ بعد ازظهر مجدداً در مقابل استانداری تجمع میکنند و منتظر اعلام نتایج مذاکرات نمایندگانشان با وزیر کار خواهند شد.

راس ساعت یک بعدازظهر نمایندگان کارگران به اداره کار مراجعه کردند. اما حراست اداره کار اظهار بی اطلاعی کرده و اعلام می کند از جریان قول و قرار مذاکره وزیر

کار با نمایندگان کارگران بیخبر است. کارگران به آنها فشار می آورند و خواهان پاسخ روشن مقامات دولتی میشوند. مسئولین اداره کار با مسئول اداره اطلاعات تماس می گیرند و رئیس اطلاعات اعلام میکنند که وزیر کار سرش شلوغ است و نمی تواند با نمایندگان کارگران ملاقات کند.

کارگران به دنبال این پاسخ سریالای مقامات دولتی اعلام کردند اگر وزیر کار تن به پاسخگویی نمیدهد و پای میز مذاکره با ما نمی آید، بنابر این ما مجدداً در مقابل استانداری تجمع خواهیم کرد. نمایندگان کارگران بلافاصله خبر عدم پاسخگویی وزیر کار و مقامات دولتی را به اطلاع همکاران خود رساندند. کارگران همراه با خانواده هایشان به طرف استانداری حرکت کردند.

ساعت ۳ بعد ازظهر با تجمع مجدد کارگران و خانواده هایشان در مقابل استانداری، نیروهای گارد و یگان ویژه کل منطقه اطراف استانداری را به محاصره خود درآوردند و مانع پیوستن مردم به این تجمع شدند. با این حال تجمع زیاد کارگران در مقابل استانداری باعث ترافیک در منطقه و خیابانهای

اطراف شده بود. رئیس اداره کار (صادقی) خود را به محل رسانده و از کارگران تقاضا می کند که به تجمع خود پایان دهند. او اعلام میکند اگر این تجمع تمام شود خواسته های کارگران را پیگیری میکند. کارگران او را هو کرده و به او حمله می کنند. صادقی ناچار به ترک محل میشود. در ادامه این

وضعیت و برای پایان دادن به تجمع کارگران، نماینده شهر سنندج در میان کارگران حاضر شد و اعلام کرد که کارگران شاهو تبدیل به مسئله دولت شده و حتی در میان هیئت وزیران نیز بحث آنان مطرح گشته است. وی در ادامه سخنان خود اعلام کرد امشب در جلسه هیئت دولت مسئله کارگران شاهو مطرح خواهد شد و ما روز شنبه جواب قطعی به خواسته های آنان خواهیم داد. بدین ترتیب تجمع کارگران مراکز کارگری سنندج در ساعت ۳/۱۸ پایان پذیرفت.

تعدادی از جوانان شهر به قصد پیوستن به تجمع اعتراضی کارگران به طرف استانداری حرکت کردند و در خیابان ششم بهمین با ممانعت نیروهای انتظامی روبرو شدند. جوانان فوراً تصمیم میگیرند که در چهار راه وکیل تجمع کنند و

اعتراض به حضور احمدی نژاد را گسترش دهند. مقامات دولتی برای مقابله با تجمع و اعتراضی جوانان برق این محله و اطراف آن را قطع می کنند و تعداد بیشتری از نیروهای انتظامی و گارد ویژه در سطح شهر مستقر میشوند. راس ساعت ۹ شب این تجمعات پایان یافت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم سنندج را فرامیخواند که وسیعاً کارگران را مورد حمایت خود قرار دهند و در این تجمعات شرکت کنند. ما ضمن حمایت قاطع از مطالبات کارگران، این حرکت هماهنگ و موثر را به همه کارگران تبریک میگویم. در حالیکه احمدی نژاد در شهرهای کردستان جولان میدهد و با زور و تهدید و ارباب تعدادی را به مراسمهای خود می کشانند، کارگران متحد پنج مرکز کارگری سنندج یک حرکت اعتراضی باشکوه را سازمان دادند. این تجمع یک پیروزی برای جنبش کارگری ایران محسوب میشود. ما یک بار دیگر دست همه کارگران معترض و فعالین کارگری را میافشاریم و قاطعانه از مطالبات این کارگران حمایت میکنیم. *



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرده است که راه می‌رود



ناصر اصغری

"تقریباً از سوی هیچ یک از دولت‌ها و محافل سیاسی - روشنفکری غرب تردیدی درباره این نظر وجود ندارد که راه مبارزه ریشه‌ای با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و راه‌حل بسیاری از بحران‌های منطقه کانونی این دو یعنی خاورمیانه، تغییر مناسبات فرهنگی - اجتماعی و دگرگونی نظام‌های سیاسی - حقوقی به نفع دموکراسی، آزادی و حقوق برابر انسان‌ها در کشورهای این منطقه است." این گفته دو چیز را می‌رساند: فرخنده مدرس یا شعور دیگران را دست کم گرفته است؛ و یا فرخنده مدرس خیلی ساده و سطحی است! به نظر من هر دو. آنقدر سطحی و ساده است که شعور دیگران را دست کم گرفته است. چرا می‌گویم هر دو؟ به اظهار نظر بعدی ایشان توجه کنیم. می‌گوید: "این اغماض تا کجا با این نظر قوی در میان اروپائیان ارتباط دارد که رودرستی یا بنیادگرایی و تروریسم اسلامی نیازمند متحدین رسمی یا غیررسمی از میان مسلمانانی است که تعبیر و تفسیرهای ملایمتری از اسلام دارند؟ آیا از همین دیدگاه نبود که جریان موسوم به اصلاح طلب در درون حکومت اسلامی به سرعت مورد توجه و حمایت قرار گرفت؟" فرخنده مدرس فکر می‌کند و یا حداقل می‌خواهد که از وی قبول کنیم که جریان اصلاح طلبی دینی در ایران اساساً برای برخورد ملایم با غرب و غیره بوده است که شکل گرفته است. هم جریان‌ات اسلامی ملایم‌تر و اصلاح طلب و هم جریان‌ات اسلامی بنیادگرا برای تروریسم اسلامی هورا می‌کشند. فرخنده مدرس دارد این تصویر را میدهد که گویا نیروی محرکه پشت اصلاح طلبی در ایران، برقراری رابطه اصلاح طلبان حکومتی با دول غربی، بخصوص آمریکا بوده است. به این تصویرسازی کاذب، حتی همان اصلاح طلبان دینی هم می‌خندند. نیروی محرکه پشت اصلاح طلبی حکومتی، جلوگیری از

امروزه خطر حمله آمریکا به ایران، بالکانیزه کردن ایران، سناریوی عراق و افغانستان را در ایران پیاده کردن، خطری است که هر انسان با شرفی را نگران می‌کند. چه کسی است که نداند مشکل آمریکا و دول غربی در ایران دموکراسی و حقوق بشر، همان حقوق نیم بند بشر و همان دموکراسی‌ای که شاهش لخت است، هم نیست. تمام تبلیغات "حقوق بشر و دموکراسی و غیره" ادعاهای پوچی بیش از آب در نیامده‌اند. صدام حسین و رژیمش وحشی بودند، اما حمله آمریکا و متحدینش اگر بر مصائب مردم عراق نیافزوده باشد، ابداً کمتر نکرده است؛ و قرار هم نبوده که مرمی بر الام آن جامعه باشد. اشتباه نکنیم؛ آمریکا همان دموکراسی‌ای که در اروپا و آمریکا، رویای سیاسی جامعه است را، برای هیچ مملکتی قرار نبوده به ارمنیان بیاورد. منظور آنها از دموکراسی همان دموکراسی نظم‌نوینی است که قرار است رؤسای قبایل، اینبار در لباس وزیر و کیل و رئیس جمهور ظاهر بشوند. دفاع دروغین آمریکا از حقوق بشر و دموکراسی، چنان اقتضای برای دولت جورج بوش بیار آورده که باعث شکست سنگین حزب جمهوریخواه و استعفای وزیر دفاع او شد. دول غربی هیچوقت برای دفاع از حقوق بشر و دموکراسی لیبرالی در امور داخلی ایران دخالت نکرده‌اند. هیچکس نمیتواند حتی یک نمونه دفاع دول غربی از دموکراسی و حقوق بشر در ایران را نشان بدهد. همیشه برای منافع خود، برای بر سر کار آوردن دست نشانده گانشان، برای سرکوب جنبشهای آزادیخواه و مترقی و غیره بوده که دخالت کرده‌اند. اما هیچکدام از اینها باعث شرم کسانی که حمله آمریکا به ایران را انتظار میکشند، نمیشود.

فرخنده مدرس در گفتگویی با داریوش همایون حول "بی‌اعتنائی غرب به اپوزیسیون ایرانی"، گفتگوی خود را با این جمله آغاز میکند.

گزارشی کوتاه از بزرگداشت انقلاب اکتبر

در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶ مراسمی به مناسبت بزرگداشت انقلاب اکتبر در لندن برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا فیلم "ده روزی که دنیا را لرزاند" به نمایش گذاشته شد و سپس کیوان جاوید عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در رابطه با وقایع انقلاب اکتبر و نقش بلشویکها در این انقلاب صحبت کرد. وی همچنین به اهمیت

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - بریتانیا
۱۱ نوامبر ۲۰۰۶

کمک مالی به حزب

آمریکا

اصغر سعیدی پور ۱۰۰۰ دلار هزار آمریکا

کانادا

آناهیتا ۴۰ دلار کانادا
یدی محمودی ۲۶
بانو مخبر ۴۰

کمک مالی جهت انتشار نشریه انترناسیونال در کانادا (شرق)

فروغ ارغوان ۱۰۰ دلار کانادا
سوسن احمدی ۱۰۰
بابک یزدی ۱۰۰
میترا دانشی ۱۰۰
محمود احمدی ۱۰۰

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

سرنگونی رژیم بود. تمام اصلاح طلبانی را که فرخنده مدرس مد نظر دارد، که در پستهای حساس و کلیدی حکومتی دارای مسئولیت بودند، زمانی از کلیدی ترین سرکوبگران رژیم بودند. این رژیم کمتر کسی را، اگر پرونده بازجویی و سرکوبگری نداشته باشد، به حتی آبدارباشی رژیم هم راه میدهد. کار کسانی چون فرخنده مدرس بر پایه دروغ و تزویر است. هیچکس دیگر نمی‌تواند حاشا کند که همان کسانی که اصلاح طلب نام گرفته بودند، بیشتر از هر کس دیگری نجات دولت اسلامی را مد نظر داشتند. اما در نقل قول اولی که از فرخنده مدرس آوردیم، این فقط اسلام بنیادگرا است که مصائب مردم را تشدید کرده است. تروریسم دولتی آمریکا در لباس دوست مردم، نیروی که دموکراسی و حقوق بشر را ارمنان می‌آورد، معرفی گردیده است. این در چشم حقیقت نگاه کردن و دروغ گفتن محض است. در این باره خیلی حرف زده ایم. وارد این بحث نمیشوم.

جمهوری اسلامی خیلی وقت است که به آخر خط رسیده است. هر آن انتظار می‌رود که سرنگون شود. اپوزیسیون پروغرب هم برای غلبه بر آن، و اتفاقاً برای غلبه بر رادیکالیسم مردم هم، چشم به دول غربی دوخته است. جریانی است که مردم در خیابان شکستش دادند. امروزه یکبار دیگر همانند مرده‌ای که راه می‌رود، دوباره سربلند کرده و آرزوی مداخله دول غرب را در سر می‌پروراند. اما برای نجات از جهنم سرمایه‌داری، لازم است یکبار دیگر هم در عرصه سیاست شکست داده شود. *

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان عفو بین الملل، خانم ایرن خان علیه ضرب و شتم زندانیان سیاسی "اوین" اعتراض کنید!

خانم ایرن
با انتقال زندانیان عادی به زندان اوین، زندانیان شرور و لمپن ها را بجان زندانیان سیاسی انداختند. طی روزهای گذشته چند نفر از زندانیان سیاسی را بشدت کتک زده و مضروب کردند. وضعیت مخاطره آمیز است. باید فوراً به حمایت از زندانیان سیاسی اوین برخاست.

طرح های توطئه گرانه علیه زندانیان سیاسی را باید خنثی کرد. زندانیان با ارسال نامه ای خواهان حمایت از خود شده اند.
نامه زیر توسط زندانیان سیاسی زندان اوین در تهران، ارسال شده است. همانطور که مشاهده میکنید آنها با شکل تازه ای از شکنجه و سرکوب روبرو شده اند.

بنظر میرسد که کل سناریو توسط مقامات زندان برای شکنجه و آزار زندانیان پیا شده است.
زندگی در زندان اوین فی الحال برای زندانیان سیاسی جهنم است. هر گونه تلاش و توطئه مقامات زندان برای در هم شکستن زندانیان، باید با قدرت مورد انتقاد و اعتراض سازمان عفو بین الملل قرار گیرد.

این نامه را برای اطلاع از وضعیت زندانیان سیاسی و آمادگی شما برای اقدامات عاجل، ارسال میکنم.

با احترام،
خلیل کیوان
دبیر تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ۲۴ آبان ۸۵،
۱۵ نوامبر ۲۰۰۶

متن نامه زندانیان سیاسی را در سایت روزنه میتوانید بخوانید
انترناسیونال

درگیری در زندان اوین

مردم علیه ضرب و شتم زندانیان به رژیم اسلامی اعتراض کنید!

امروز سه شنبه ساعت ۴ بعدازظهر، بنا به اخباری که از طریق ناصر زرافشان در تماس به خانواده اش اعلام شده، زندان اوین شاهد درگیری و حمله تعدادی لومپن به زندانیان سیاسی بوده است. رژیم و زندانبانانش یک گروه از زندانیان عادی را از زندان گوهردشت (رجائی شهر) به زندان اوین منتقل کردند. سر کرده این گروه فردی بنام سید جلیل قریب است. با آمدن این گروه بلافاصله به درگیری و ضرب و شتم زندانیان میپردازند. در این درگیری، که گفته میشود برنامه ریزی شده بوده است، ناصر زرافشان و سعید

شاه قلعه و هاشم شاهین نیا ضرب و شتم میشوند. سعید شاه قلعه را به زندان انفرادی منتقل میکنند. بنا به خبر درگیری و جو متشنج در زندان اوین ادامه دارد. زندانیان خواهان بیرون کردن این گروه از میان زندانیان سیاسی هستند و به این وضعیت معترض هستند.
زندانی، چه عادی و چه سیاسی، قربانیان نظام موجودند. این شگردهای رژیمهای سلطنتی و اسلامی بوده است که از شعبان بی مخ ها و نیروهای اجاره ای و خشن در جامعه و همینطور در زندان علیه مخالفین سیاسی استفاده کردند. رژیم

اسلامی در زندان قزل حصار بارها از این شگرد استفاده کرده است. امروز هم در زندان اوین همین اتفاق افتاده است. تعدادی لمپن را وارد بند زندانیان سیاسی کرده و یا زندانی سیاسی را به بندهای عادی فرستاده و با ترتیب دادن صحنه سازهایی احمقانه به ضرب و شتم و آزار زندانیان سیاسی اقدام کرده است. این اقدام رژیم اسلامی ادامه تلاش برای اذیت و آزار زندانیان، اعمال فشار برای تحمیل سیاست خود، بهانه برای انتقال زندانیان به سلول انفرادی برای اعمال فشار بیشتر، و در عین حال از زیر بار مسئولیت

سازماندهی این عمل شنیع در رفتن است.
حزب کمونیست کارگری اعلام میکنند که این تشبثات و سازماندهی لمپنیسم علیه زندانیان سیاسی، تنها به نفرت مردم علیه رژیم اسلامی و همه گیر شدن خواست برحق آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی منجر خواهد شد. خانواده های زندانیان سیاسی، فعالین سیاسی و اجتماعی، دانشجویان و کارگران و زنان، باید این سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی را افشا و بی آبرو کنند و علیه چنین سیاستهایی اعتراض

کنند. بخشهای مختلف مردم باید علیه ضرب و شتم و آزار و شکنجه زندانیان اعتراض کنند و خواست آزادی فوری و بیقید و شرط زندانیان سیاسی را به صدر خواسته های خود در اعتراضات روزمره تبدیل کنند. رژیم اسلامی را باید برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و خاتمه دادن به هر گونه اعمال فشار به زندانیان زیر فشار گذاشت.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ آبان ۱۳۸۵ - ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶

پیام محمد آسگران به کارگران سنندج

رفقای کارگر
خبر اعتراض دسته جمعی و متحدانه شما کارگران پنج کارخانه نساجی کردستان، نساجی شاهو، نساجی و رنگرزی پریس، آلومین و علوم پزشکی در سنندج را ما و هزاران نفری که این خبر را امروز شنیدیم، با علاقه و دقت، تعقیب کردیم. این یک رویداد مهم در جنبش کارگری کشور بشمار میآید. در شرایطی که اعتراضات و اعتصابات کارگری در سراسر کشور

هرروز گسترش بیشتری می یابد، حرکت متحدانه شما در سطح پنج کارخانه، یک قدم مهم در ارتقای این مبارزات بشمار میآید و راه را بر پیشروی و ارتقای کل جنبش کارگری در سطح کشور باز میکند. بدون شك این اتحاد حاصل تلاش پیگیر و طولانی مدت پیشروان و رهبران کارگری در سنندج بوده و به نوبه خود فضا را برای حرکت های قدرتمندتر و وسیعتر نه تنها در سنندج بلکه در سراسر کشور هموار

خواهد کرد.
اعتراض متحد و قدرتمند شما در عین حال در روزهایی بود که احمدی نژاد و همراهانش را شهر به شهر با لباس کردی در کردستان میچرخاندند و با اجبار و ارعاب تعدادی را به خیابان آوردند. درست در چنین شرایطی، تجمع کارگران پنج مرکز کارگری در سنندج و اعلام اینکه وزیر کار را برای پاسخگویی به اینجا بیاورید، یک سیاست هوشمندانه و جسورانه بود و با

همبستگی وسیع مردم در سراسر کشور مواجه خواهد شد.
در این حرکت شما نماینده میلیونها نفر بودید که به این شوی مسخره چرخاندن احمدی نژاد اعتراض کرده و اعلام کردید که وزیر کار بجای حرافی، باید به جمع کارگران بیاید و پاسخگویی این وضعیت باشد.
دوستان کارگر
حزب کمونیست کارگری از حرکت متحد و درخشان شما قویا حمایت میکند. امیدواریم که حرکت متحدانه امروز شما، در ادامه خود

بتواند شما را به تمام خواست های خود برساند و سنگ بنای اتحاد عمیقتر و پایدار و متشکل شما باشد. ما بویژه دست رهبران و فعالین کارگری در سنندج را که بدون تلاش روزمره و پیگیر آنها چنین اتحادی صورت نمیگرفت صمیمانه میفشاریم. شما شایسته بیشترین حمایت و پشتیبانی هستید و ما همه کارگران و مردم سنندج و کل کشور را به پشتیبانی گرم و قاطع از شما فرامیخوانیم.
یکبار دیگر دست همه شما عزیزان را به گرمی میفشارم.
۲۵ آبان ۱۳۸۵

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

چند سؤال از سردبیر انترناسیونال راستش من از آنچه که سناریوی سیاه گفته میشود، میترسم اما من اطمینان دارم که ما جواب داریم

عباس عزیز

سلام و خسته نباشید

من هم خیلی خوشحالم که خوانندگان انترناسیونال اظهار علاقه کرده اند که ستون پاسخ به نامه باز شود و تا حد امکان تلاش خواهیم کرد که به سئوالات خوانندگان انترناسیونال پاسخ دهیم. حتما از دوستان و آشنایان بخواید که سئوالات و ابهاماتشان را با نشریه انترناسیونال در میان بگذارند و ما تمام تلاشمان را خواهیم کرد که به این سئوالات پاسخ دهیم.

عباس عزیز

من هم از سناریوی سیاه میترسم. اما من هم مثل تو اطمینان دارم که ما جواب داریم. اگر کسی در مقابل امکان راه افتادن سناریوی سیاه در ایران نترسد یا رنگی در کش دارد و حاضر است به قیمت نسل کشی به منافع حقیر خود برسد و یا متوجه نیست و تصور میکند که ایران تافته جدا تافته ای است.

اجازه بدهید من در این شماره فقط به بخش اول سئوالتان جواب بدهم. اینکه خطر سناریوی سیاه در ایران جدی است. در شماره بعدی به بخشهای بعدی سئوالتان خواهم پرداخت که میتوان در مقابل این خطر ایستاد و آنرا خنثی کرد.

خطر سناریوی سیاه در ایران جدی است. ایران تافته جدا تافته ای نیست. میدانم که به خاطر حاکمیت یک حکومت مذهبی و قوم گرا، مردم در ایران بسیار آگاه هستند. میدانم که مردم ایران دقیقا به این دلیل که صدمات ضد انسانی یک حکومت مذهبی و قوم گرا را دیده اند و در طول بیست و هفت سال در مقابل این جریان کثیف مقاومت

من عباس از تبریز هستم. به شما تبریک میگویم که پاسخ به سئوالات را در دستور گذاشتید. اینگونه سئوالات میتواند مشکل خیلی ها باشد و جواب به آنها کاری است بس ضروری. ما انترناسیونال را میخوانیم. یک مشکل جدی فیلتر شدن سایتهاست. فیلترشکن ها چند روز بیشتر دوام نمی آورد، اما به هر شکلی که شده نشریات را میگیریم و خوشبختانه مشکلی نیست. از شما خواهش میکنم اگر فرصت داشتید به این سئوالات هم جواب دهید.

چند ماه پیش بود که اعتراضات در آذربایجان را شاهد بودیم؟ شاهد بودیم که جریانات قوم گرا جلو افتادند و فضا را آنچنان آلوده کردند که شعار میدادند زبان فارسی زبان سگ است. سئوالی که برای من پیش آمده اینست که شما خطر دامن زدن به قوم گرایی را تا چه حد جدی می بینید؟ در برابر چنین خطری چه میتوان کرد؟

چرا بعد از خوابیدن مساله آذربایجان تبلیغات شما نیز بر روی این مساله کم شد؟ فکر نمیکنید برای مبارزه با ناسیونالیسم باید تبلیغات دائمی داشت؟

با توجه به اینکه همانطور که خودتان همیشه هشدار داده اید یکی از تلاش های آمریکا ایجاد دول قومی، ملی و تغییر دولتها از بالاست، آیا فکر نمیکنید این خطر در ایران نیز میتواند وجود داشته باشد؟ اگر ما تبلیغات هر روزه ای در خنثی کردن اینگونه سیاست ها نداشته باشیم، آیا ضرر نخواهیم کرد؟ راستش من از آنچه که سناریوی سیاه گفته میشود، میترسم. اما من اطمینان دارم که ما جواب داریم. نظر شما چیست؟

کرده اند و مبارزه کرده اند، شرایط برای مقاومت و مبارزه در مقابل یک سناریوی سیاه آماده است. اما هنوز فرقه های اسلامی و قوم پرست، چه بقایای حکومت اسلامی و چه جریانات ناسیونالیست عظم طلب و قوم پرست در اپوزیسیون، ظرفیت عظیمی برای به خون کشیدن جامعه را دارند. این خطر را باید جدی گرفت و در مقابلش محکم ایستاد. هر چقدر بیشتر و محکمتر و قوی تر در مقابل این جریانات بایستیم، اینها را افشا کنیم، خطر اینها را برای مردم روشن کنیم همانقدر بیشتر شرایط برای مقابله با اینها در جامعه فراهم تر خواهد شد. باید در مقابل اینها ایستاد و با تمام قدرت ایستاد.

اجازه بدهید چند نکته را مخصوصا در رابطه با موضوع مورد سؤال شما، یعنی مساله آذربایجان به خوانندگان انترناسیونال یادآور شوم.

مردم در آذربایجان به خیابان آمدند تا به جنایات یک حکومت کثیف مذهبی و قوم پرست اعتراض کنند. مردم میخواستند به آنها به عنوان انسانهای برابر برخورد شود. مردم میخواستند آنها به خاطر زبانشان و تولدشان در یک منطقه از ایران تحقیر نشوند. مردم میخواستند حقوق انسانیشان برسمیت شناخته شود. و مردم آذربایجان خوب میدانستند که مسبب این همه تبعیض و نا برابری حکومت اسلامی است و به همین دلیل سمبلهای حکومت اسلامی یعنی مراکز بسیج اسلامی و سپاه را مورد حمله قرار دادند. اما جریانات و فرقه های قوم پرست و

ناسیونالیست ترک تلاش کردند اعتراض بحق مردم علیه یک حکومت مذهبی و قوم پرست و ناسیونالیست را بالا بکشند و تلاش مذبحخانه ای کردند تا اعتراض علیه حکومت اسلامی را به اعتراض علیه فارسیها تبدیل کنند. تلویزیون گوناگونیترین تبلیغات را علیه فارسیها براه انداخت و سعی کرد اعتراض مردم علیه یک حکومت نژاد پرست مذهبی را علیه مردم فارس زبان بچرخاند. رسما و علنا در این تلویزیون گفتند مردم علیه خامنه ای و احمدی نژاد شعار ندهید. مشکل اصلی ما احمدی نژاد و خامنه ای نیستند. مشکل اصلی ما فارسیها هستند. این یک تبلیغ ناسیونالیستی و فاشیستی علیه بخشی از مردم ایران بود که به همان اندازه مردم ترک زبان از دست حکومت کثیف اسلامی در رنج هستند. طبقات زحمتکش و ستمکشی که برای فروش کلیه در تهران صف میکشند تا بتوانند هزینه غذای فرزندانشان را تامین کنند به زبانهای فارسی و ترکی و عربی و کردی و لری صحبت میکنند. و روشن است که مسبب این بدبختی و فلاکت این انسانهایی که به زبانهای مختلف حرف میزنند حکومت اسلامی سرمایه است که اتفاقا سرانش به زبانهای مختلف حرف میزنند. جریانات پان ترکیست و فاشیست آذری و ترک تلاش کردند مسبب این بدبختیها را فارسیها قلمداد کنند. شعارهای کثیفی را مطرح کردند: فارسی دیل ایت دیلی و ... و رسما و علنا در رسانه هایشان گفتند که مردم امروز نباید علیه احمدی نژاد و خامنه ای شعار داد. دشمن ما فارسیها هستند. رسما

و علنا گفتند سپاهیها و بسیجیها و ارتشپها و آخوندهای ترک زبان متحد شوید. اینها سنگسار کنندگان و تیر خلاص زنها و قضات شرع و دادستانها و پاسداران و بسیجیهای ترک زبان را تقدیس کردند تا روحیه ناسیونالیستی علیه مردم فارس زبان را تحریک کنند. و البته همه میدانند که پاسداران و شکنجه گران و آخوندها و دادستانها و قضات شرع ترک و فارس و بلوچ و لر و کرد حامی جمهوری اسلامی در مقابل کارگران و مردم تحت ستم که به زبانهای مختلف حرف میزنند هم منفعت هستند. همه میدانند که موسوی اردبیلی و موسوی تبریزی و خلخالی و لاجوردی و شریعتداری و خامنه ای و خاتمی و احمدی نژاد و حجاریان و شاهرودی به زبانهای مختلف تکلم میکنند اما همه اینها جزو دستگاه سرکوب و شکنجه و خفقان اسلامی هستند.

فرقه های نژادپرست قوم گرای شبیه در خوزستان و بلوچستان و تهران زیاد هستند که دندان تیز کرده اند تا مردم را به جان هم بیاندازند و ماهی بگیرند. با این حساب خطر سناریوی سیاه جدی است. این فرقه های بشدت نژاد پرست در شرایطی که یک حزب سیاسی نتواند رهبری و هدایت اعتراضات مردم را بدست بگیرد پراحتی میتواند جامعه را به خون بکشاند. اگر مردم تحت رهبری یک حزب سیاسی انساندوست و آزادخواه و برابری طلب مبارزه نکنند، این فرقه ها میتوانند میداندار بشوند. این کاملا ممکن است.

عباس عزیز،

در شماره بعدی انترناسیونال به این خواهیم پرداخت که میتوان و باید در مقابل این خطر واقعی ایستاد و اجازه نداد سرنوشت مردم توسط این جریانات قوم پرست و مذهبی به آتش کشیده شود.

محسن ابراهیمی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال

۴۹ متر ردیف ۶۲۲۵ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

در سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری روی آوری به حزب و سوسیالیسم نیاز روز جامعه است

بسط این رژیم سرکوب و جنایت را در هم بکوییم، دست مذهب را از جامعه کوتاه کنیم و ریشه های فقر و نابرابری و تبعیض و محرومیت را بخشکانیم. اتحاد حول حزب، نیاز میرم مردم ایران در مواجهه با رژیم اسلامی و نظام ضدانسانی سرمایه است.

سالروز تشکیل حزب گرامی باد!

زنده باد منصور حکمت
زنده باد کمونیسم کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آبان ۱۳۸۵ - ۱۶ نوامبر ۲۰۰۶

برنده ترین سلاح انتقاد کمونیستی به جامعه سرمایه داری و سنگر این مبارزه حزب کمونیست کارگری است.

کارگران، مردم آزادیخواه! این حزب شما است. در سالروز تشکیل حزب گرد هم آئید، جشن و مراسم بگیرید، در مورد سوسیالیسم و کمونیسم و تشکل حول حزب بحث و گفتگو کنید، دوستان و همکارانتان را با برنامه یک دنیای بهتر و سیاستهای حزب و رسانه ها و نشریات حزب آشنا کنید و همه را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری فراخوانید. به حزب ببیونیدید تا

مبارزه برای مذهب زدائی از دولت و جامعه، مبارزه علیه اعدام و سنگسار و در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نقش موثرتر و تعیین کننده تری می یابد. این صف انقلاب، صف آزادی و برابری و سوسیالیسم است که سر بلند میکند و بمیدان می آید. حزب کمونیست کارگری تا امروز در شکل دادن به این صف نقش فعال و موثری داشته است و میرود که به نماینده و سازمان دهنده و رهبر انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود. مردم در نبرد با جمهوری اسلامی سلاح و سنگر مبارزه می خواهند و

رهائی و آزادی انسان را برافراشت. وجود امروز حزب و پیشرفت هایش مدیون نفس این جسارت انقلابی و کمونیستی و برافراشته نگهداشتن این پرچم است. بعد از گذشت پانزده سال از تشکیل حزب، امروز کمونیسم کارگری یک راه حل عینی و یک امید واقعی مردم ایران برای آزادی است. سیاستها و شعارها و اهداف حزب، هر روز بیش از پیش در دل مبارزات مردم جا باز میکند و در مبارزات و اعتصابات کارگری، جنبش دانشجویی، در جنبش آزادی زن، جنبش دفاع از حقوق کودک، در

سی نوامیر سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری است. پانزده سال پیش سخنگویان بازار و دموکراسی نظم نوینی از هر سو و از هر تریبونی علیه بشریت، علیه آزادی و برابری، علیه کارگر، علیه کمونیسم و علیه انقلاب و لنین و مارکس حرف میزدند. در این دوره سیاه و ضد بشری، منصور حکمت پرچمی متفاوت بلند کرد، حزب کمونیست کارگری، در جهانی که بورژوازی جشن "پایان کمونیسم" براه انداخته بود و علیه لنین و مارکس و عدالتخواهی و برابری طلبی داد سخن میداد، کمونیسم کارگری پرچم

از صفحه ۲ این یک پاکسازی قومی است

سخن بگویم و تبلیغات فاشیستی رژیم را خنثی کنیم. باید با پیامهای همبستگی و پشتیبانی خود کارگران افغان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهیم. باید در اعتراض به طرح ضربتی رژیم برای اخراج کارگران افغان تجمعات اعتراضی برپا کنیم. باید با تمام قوا رژیم را در اجرای این سیاست به عقب برانیم.

ما خواهان حق شهروندی کامل برای همه مهاجران در ایران هستیم و این تنها ملاکی است که میتوان با آن درجه آزادیخواهی جریانان مدافع آزادی را سنجید.

طرح ضربتی اخراج کارگران افغان در ایران، در هم پاشیدن زندگی بیش از دو میلیون انسان به جرم متولد شدن در سرزمینی دیگر،

حمله به حرمت انسانیت و کل جامعه است. نباید در مقابل چنین تراژدی انسانی ای ساکت نشست. بازگذاشتن دست رژیم و سرمایه داران در پیساده کردن چنین سیاستهایی، اولییه ترین استانداردهای انسانی را در جامعه به زیر سؤال میبرد و کل جامعه را به بربریت میکشد، باید با تمام قوا بکوشیم تا از تحقق فاجعه ای که در پیش است جلوگیری کنیم و رژیم را در اجرای این سیاست ضد بشری به شکست بکشانیم. *

یا حتی آنان که در مراحل از ایران اخراج شده اند، باز تحت فشار بیکاری و وابستگی به خانواده و دوستانشان در ایران، دوباره بازگشته و با هر مشقتی شده زندگی گزارنده اند. باید به حمایت از کارگران مهاجر افغان برخاست.

برای اجرای طرح ضربتی اخراجی کارگران افغان از ایران، رژیم به حمایت ناسیونالیسم ایرانی و ملیگرایان که قبلا و بارها و بارها چراغ سبز هم داده اند، به حمایت جریاناتی نظیر سلطنت طلب ها و حزب توده پشتگرم است. ما باید بکوشیم که با افشای ناسیونالیسم ایرانی و حامیان این گرایش و افشای سکوتی که امروز از جانب بسیاری از نیروهای اپوزیسیون شاهدیم، صف مبارزه علیه این پاکسازی قومی را قویتر کنیم.

باید تلاش کنیم که با جلب همبستگی بین المللی کارگری و مردم آزادیخواه این سیاست رژیم را به شکست بکشانیم. با نامه های اعتراضی مان به اتحادیه های کارگری در سطح جهانی صدای اعتراض خود را علیه این سیاست فاشیستی بلند کنیم.

باید همانطور که یک بند قطعه نامه های اول مه امسال حمایت از کارگران مهاجر افغانستانی بود، با اتحاد و همبستگی در مقابل این سیاست بایستیم. باید در مجامع عمومی کارگری علیه این سیاست

افغانستانی در ایران، نوع کارهایی که آنها اشتغال دارند و بویژه تعقیب و آزار آنها در سالهای متمادی این فرصت را به این کارگران نداده که اعتراضی سازمان یافته را علیه این شرایط و تهاجماتی که بر آنها صورت میگیرد، به پیش ببرند و تشکلی داشته باشند. اما در عمل این کارگران همیشه در مقابل تصمیمات رژیم مقاومت کرده اند و با ادامه کار و زندگی شان در ایران این سیاست ها را ندیده گرفته اند و

علیه اجرای سیاست راست و ضد کارگری رژیم در قبال کارگران افغان سیاست و همبستگی با کارگران مهاجر وجود دارد، باید آنها سازمان داد. این وظیفه کارگران پیشرو است که در جلوی این حرکت قرار گیرند و آنها سازمان دهند. باید در مقابل چنین سیاستی ایستاد و اعتراضی گسترده علیه آنها سازمان داد. شرایط زندگی کارگران مهاجر

کارگران برای ماهها به تعویق می افتد. کارگران بارها و بارها در اعتراضشان به دستمزدهای کلان نمایندگان مجلس و کارفرمایان و مقامات بالای دولتی معترض شده اند و گفته اند چرا دستمزد کارگر باید زیر خط فقر باشد و یک عده مفتخور اقلیت از بهترین نعمات زندگی برخوردار باشند. امروز بطور واقعی زمینه های اعتراض

راديو انترناسیونال به خانه های شما بر میگردد! راديو انترناسیونال؛ صدای کارگران، صدای آزادیخواهان، صدای جنبش آزادی و برابری مجدداً آغاز بکار میکند!

راديو انترناسیونال يك راديو مستقل است، به هیچ دولت و خبرگزاری رسمی متعلق نیست. راديویی متعهد به حقیقت و مردم. راديو انترناسیونال راديویی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در این راديو از تحلیل گران و صاحب نظران در این عرصه ها، از شخصیت های سیاسی و اجتماعی دعوت میکنیم تا با شما صحبت کنند. شما را با اهداف و سیاستها و برنامه های احزاب و گروه های سیاسی و نهادهای مختلفی که به نحوی از انحاء فعالیتی در رابطه با مردم ایران میکنند، آشنا میکنیم.

به اطلاع میرسانیم که از روز جمعه ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ برابر با ۳ آذر ۱۳۸۵ راديو انترناسیونال مجدداً برنامه هایش را آغاز میکند! برنامه های راديو انترناسیونال هر شب ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵ کیلوهرتز آغاز خواهد شد! شما ۳ آذر ۱۳۸۵ میتونید برنامه های راديو انترناسیونال را هر شب ساعت ۹ به وقت تهران بشنوید. لطفاً طول موج و ساعت پخش راديو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید!

خبر آغاز بکار مجدد راديو انترناسیونال را وسیعاً و به طرق مختلف در شهرهای مختلف ایران به اطلاع همه دوستان و آشنایانتان برسانید! راديو انترناسیونال همزمان با ایران در اروپا نیز شنیده میشود.

نظرات و پیشنهادات و همچنین نحوه دریافت و کیفیت صدای راديو انترناسیونال را به ما اطلاع دهید.

شماره تلفن: 00467070656362

شماره پیامگیر: 004686590755

جمعه ۳ آذر ۱۳۸۵ - ساعت ۹ شب تهران

طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵ کیلوهرتز

مدیر راديو انترناسیونال،

سیاوش دانشور

۷ نوامبر ۲۰۰۶

از صفحه ۳ پس از انتخابات در قاره آمریکا

این محدوده تنها میتواند جلوگیری از خسارت سیاسی بیشتر باشد. و این استراتژی جلوگیری و اجتناب از شکست است و نه استراتژی پیروزی سیاسی. بعلاوه توافق با جمهوری اسلامی یکی از مولفه های اصلی دستیابی به یک راه حل وسط است. بی جهت نیست که شاهد زمزمه های مذاکره با رژیم اسلامی از جانب آمریکا و اعلام آمادگی رژیم اسلامی و سازش هر دو قطب تروریستی در این زمینه است. اما معنا و پی آمدهای شکست احتمالی نظامی و عدم پیروزی سیاسی در عراق چیست؟

نظم نوین جهانی در گرداب

سیاستهای آمریکا در دو حوزه حیاتی، در دو قاره با مخاطرات جدی و تعیین کننده ای مواجه شده است. آیا زمینه های شکست نظم نوین جهانی فراهم شده است؟ آیا موقعیت ابر قدرتی آمریکا در این سطح دستخوش لطمات جدی و جبران ناپذیری شده است؟ واقعیت این است که الگوی اقتصادی سرمایه داری رقابتی با مشخصات سیاست لیبرالیته کردن اقتصادی، خصوصی سازی ها، ریاضت کشی اقتصادی، حذف کلیه اقلام رفاهی از تعهد دولت و عدم مسئولیت در قبال آحاد جامعه، و حمله گسترده به تشکلات کارگری با مقاومت مواجه شده است، در جوامعی شکست خورده است. بمشابه یک الگوی اقتصادی و مدل رشد و توسعه شکست خورده است. در آمریکای لاتین شکست خورده است. در خاورمیانه متحقق نشده، شکست خورده است.

از طرف دیگر شکست سیاسی در آمریکای لاتین ابعاد قابل ملاحظه ای بخود گرفته است. برزیل، شیلی، ونزوئلا، بولیوی، و اخیرا نیکاراگوئه مجموعه ای است که در دوران پس از جنگ سرد دست رد به الگوی اقتصادی و سیاسی بازار آزاد و مدافعین آن در واشنگتن زده است. این یک چرخش مهم در یک حوزه سیاسی با اهمیت است. آمریکا در دورانهای گذشته با کودتای نظامی، با کشتار و سرکوبگری، با خونتاهای نظامی و لشگرهای مرزی کنتررا، حضور

جغرافیای دیگری باشد. هر گونه تکرار و ادامه چنین سیاستهایی مستلزم تغییر توازن قوای درونی هیات حاکمه آمریکا به نفع این سیاست و خنثی کردن و پاک کردن شکست های موجود در خاورمیانه است. آمریکا تا مدتها در عراق در گیر خواهد بود. از یک طرف امکان پیروزی نظامی ندارد از طرف دیگر امکان خروج فوری ندارد. عراق با سر به سمت گسترش جنگ داخلی و پاکسازی مذهبی و قومی میروید. هم اکنون بغداد به دو بخش شرقی و غربی در حال تقسیم است. بخش شرقی تحت کنترل شاخه های اسلامی مانند مقتدی صدر و بخش غربی در کنترل جریانات اسلامی و بعضی خارج از قدرت، متناسب به جریانات سنی. در چنین شرایطی توان آمریکا و شرایط جهانی برای تکرار عملیات رژیم چنچ و عملیات پیشگیرانه بسیار محدودتر از گذشته است. با شکست نو محافظه کاران کلا شاید چنین استراتژی ای در بعد نظامی از دستور عملا خارج شود.

حمله نظامی احتمالی به ایران

امکان حمله نظامی به ایران در این شرایط و در پس تغییر فضای سیاسی در آمریکا و معضلات نظامی در عراق بطور چشمگیری کمتر شده است. هیات حاکمه آمریکا اکنون دو پاره شده است. یکدست نیست که چنین سیاستی را در دستور قرار دهد. تلفات آمریکا در جنگ رو به افزایش است. ماهانه ۱۰۰ تن از نظامیان آمریکا در عراق کشته میشوند. این فاکتور در حال حاضر نقش رو به افزایشی در افکار عمومی مردم آمریکا ایفا میکند. البته هیچگاه نباید نقش "دیوانگی" در سیاست را نادیده گرفت! وجود بخشی از ماشین جنگی دریایی آمریکا در حوزه خلیج بیش از آنکه تدارکی برای حمله نظامی باشد، اقدامی برای تقویت روحیه متحدین آمریکا در فرای جنگ ارتجاعی اسرائیل و حزب الله است. آیا اسرائیل دست به اقدام نظامی یک جانبه خواهد زد؟ اقدام یک جانبه نظامی از جانب اسرائیل محتمل نیست. مساله این است که هر دو طرف این کشمکش نظامی میدانند که آغاز حمله نظامی در

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران را بخوانید

معین را دنبال میکردند. هدف تثبیت موقعیت آمریکا بمشابه تک ابر قدرت جهان بود. در شرایط حاضر ما شاهد شکافهای بیشتر در سطح مناسبات بین المللی در این چهارچوب خواهیم بود. ائتلاف در حال شکل گیری چین و روسیه از یک طرف و از طرف دیگر تلاش فرانسه برای سهم خواهی بیشتر و مقاومت در برابر سیاستهای مورد نظر هیات حاکمه آمریکا از اولین عرصه های رقابت تشدید شده خواهند بود. هیات حاکمه آمریکا در این دوران با مقاومتهای جدید و بیشتتری در عرصه بین المللی روبرو خواهد شد. جهان تک ابر قدرتی با شکافها و سوراخهای آوزون متعددی مواجه خواهد شد.

ما و تغییرات کنونی

شرایط جهانی در حال تغییر و تحول است. مردم از سرگیجه تهاجم و قلدری میلیتاریستی نظم نوین جهانی به درجاتی به خود آمده اند. اما هنوز راه بسیار دشواری در مقابل بشریتی است که به این وضعیت رضایت نمیدهد. سیاست ما برای تغییر دارای دو رکن اساسی است. شکست نظم نوین جهانی و شکست اسلام سیاسی و ستون فقرات آن یعنی حکومت اسلامی. تضعیف موقعیت جهانی آمریکا نباید به هیچگونه تخفیف فشار بر اسلام سیاسی منجر گردد. در سطح بین المللی هیچ زمان شرایط برای به میدان کشیدن و سازماندهی بشریت متضمن در مقابله با قلدری و زورگویی و جنگ افروزی و تروریسم بین المللی اینچنین مهیا نبوده است. پیشروی مستلزم تقابل همه جانبه با هر دو قطب تروریسم بین المللی در سطح جهانی است. ما نیازمند سازماندهی قدرتمند بشریت متضمن هستیم. *

حقیقت آغاز یک کشمکش تروریستی همه جانبه و جنگ در منطقه خواهد بود. اقدام یک جانبه اسرائیل این دولت و آمریکا را در موقعیت دشواری در سطح بین المللی و منطقه قرار خواهد داد. راست اسرائیل برای شروع یک درگیری در این ابعاد احتیاج به چراغ سبز آمریکا دارد. هر نوع عملیات ایذایی به سرعت به یک جنگ تمام عیار منجر خواهد شد.

تحولات آمریکا، اسلام سیاسی

در سطح بین المللی و در چهارچوب کشمکش دو قطب تروریستی یکی از پی آمدهای تحولات حاضر در قاره آمریکا به طور غیر مستقیم منجر به بهره برداری اسلام سیاسی و رژیم اسلامی از این اوضاع خواهد شد. تا زمانیکه بشریت متضمن قادر به سازمانده مستقل خود نشود، تا زمانیکه این قطب حضور مستقلمی در عرصه سیاست بین المللی پیدا نکند، اوباش اسلامی و شاخه های مختلف اسلامی از این شرایط منتفع خواهند شد. اسلام سیاسی خواهد کوشید از این موقعیت تضعیف شده میلیتاریسم آمریکا با تلاش برای ایجاد ائتلافی در سطح نیروهای موجود در منطقه و در آمریکای لاتین بهره مند شود. یک هدف رژیم اسلامی تضمین موقعیت "ابر قدرتی" در خاورمیانه است؟ در صدد بجای آمریکا در منطقه به قدرت فائقه تبدیل شوند.

سهم خواهی بیشتر، تشدید رقابتهای بین المللی

یک هدف اعلام شده آمریکا در دوران پس از جنگ سرد تلاش برای تامین رژیم هژمونی بلامنازع آمریکا در جهان کنونی است. جنگهایی که در این دوران تماما سازمان داده شدند. زندگی هایی که ویران شد، این هدف

از صفحه ۴ حزب سیاسی مارکسیستی

ابراز میشود. ما باید در راس این مبارزات ظاهر شویم و دستکم یک پای قدرتمند و قابل رویت این جدالهای اجتماعی باشیم. برای حزبی سیاسی مانند حزب کمونیست کارگری که میخواهد قدرت سیاسی را در ایران کسب کند، مسئله علنیت و حضور اجتماعی فراتر از تلاشهای تاکتونی باید برود. منصور حکمت سنتی را گذاشت که میتوان روی آن تصویری بشدت انسانی و تشکیلاتی بشدت سیاسی و وسیع را بنا کرد و از پیش بسیاری از مخاطرات و شانناژهایی که یک حزب کمونیستی خلاف جریان را همواره تهدید میکند خنثی کرد. ما بدنبال پیشروهای تاکتونی باید حزبی بسازیم که هر انسان شریف در ایران و دنیا آرزو کند و بخواهد که عضو چنین حزبی بشود و بسادگی بتواند عضو شود و فردای آن به جنگ بورژوازی برود. چنین حزبی باید بشدت شفاف و علنی باشد، مکانیزمهای تصمیم گیری اش را جامعه وسیعاً بشناسد و از آن بعنوان الگوی پیشرو استفاده کند، ارگانهایش باید قابل مراجعه نه فقط برای هر عضو حزب و انسان شریف جامعه بلکه برای هر مورخ و هر ژورنالیستی باشد که میخواهد در مورد پدیده کمونیسم کارگری در ایران کتاب بنویسد. شفافیت سیاسی و علنیت این امکان را میدهد که جامعه در سرنوشت حزب دخالت کند، حزب به محل اعمال تمایل یا انعکاس تمایلات گرایشات غیر کارگری و غیر اجتماعی تبدیل نشود، بتواند خود را در مقابل تهدیدات و مخاطرات واکنیسه کند، از پیش پاسخ آتی کمونیستها و تازه دمکراتهای مسلمان و دیگران را داده باشد. شفافیت و علنیت سیاسی در عین حال یک پایه ایفای نقش افراد و رهبران یک حزب کمونیستی در سرنوشت مبارزه ای است که فی الحال جریان دارد. حزبی که دنیای کوچک چپ قدیم و دنیای رمز و راز و حجاب را پشت سر گذاشته، حزبی که رهبران اش را هر کسی میشناسد، حزبی که هیچ جنبه اسرار آمیز و مبهمی ندارد، حزبی که متحد است و در عین حال فردیت را نه فقط برسمیت میشناسد بلکه تحقق آن را یک پایه پلانفرم جامعه

است. تجارب تاکتونی بسیار قابل توجه هستند؛ برای هیچ سازمان و حزبی ساختن یک تشکیلات منظم و محکم کار سختی نیست. میتوان با روشهای بشین و پاشو و براس راست و به چپ چپ و میلیتاریستی جهان سومی حزب محکم ساخت، کیش ساخت، فرهنگ فرقه ای ساخت. نمونه های این سبک و حزب ساختن چه در چپ ایران و چه سازمانهای اسلامی کم نیست. تحزب ما هیچوقت نمیتوانسته به چنین روشها و چنین نگرشهایی در مورد مبارزه سیاسی متکی باشد و به همین دلیل کار ما سخت است. ما میخواهیم حزبی بسازیم که تعداد زیادی انسانهای آگاه و داوطلب میخواهند نقشه مشترکی را مشترکا پیاده کنند. بقول منصور حکمت ما آدمک نمیخواهیم، کسی را نمیخواهیم که از دور معلوم است که چیزی در دهانش گذاشته اند و دارد تکرار میکند، فعالین پرشور و انقلابی و مستقل و با اعتماد بنفس و صاحب نظری میخواهیم که وقتی حرف میزند جامعه را جذب کند، کمونیسم را بعنوان امر همین الان خودش و تمایلات قلبی خودش بگوید و در میان مردم بگوید و این قابل رویت باشد. حزبی که هر روز رهبری و سیاستپایش را در باره هر مسئله جامعه میتوان دید و قضاوت کرد. حزبی که مباحث رهبران نقل مجلس این و آن محفل و جمع آزادیخواه و محافل خانوادگی است. این حضور مستمر و علنی تنها حرزیت و فرهنگ پیوستن به حزب کمونیستی و کار متشکل را تسهیل میکند. حزبی که شخصیتها و رهبران با خصوصیات متفاوت و عرصه های کار مختلف در یک حزب وسیع اجتماعی متشکل شده اند و متحدانه میخواهند جامعه ای بسازند که تناقض فرد و جامعه را برای همیشه حل کند.

"حزب یا فرد"

در کمونیسم کارگری فرد مکان برجسته و مهمی دارد. این تداوم و بسط سنت و نگرش مارکسیستی است. به این اعتبار و برخلاف سنتهای تاکتونی و غیر اجتماعی و آواتوریستی، تئوری حرزیت ما و خصوصیات عام حرزیت ما، مطلقاً در مقابل فرد و ابراز وجود فردی و استقلال فردی نیست. ما باید

دعوت به کنفرانس مطبوعاتی در پارلمان اروپا

نقض حقوق انسانی در ایران و آخرین نمونه ها
از احکام سنگسار در ایران

شرکت کنندگان:

فلک ناز اوجا نماینده پارلمان اروپا
مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام
و مبتکر ایجاد کمیته علیه سنگسار
نماینده سازمان عفو بین الملل
آنتیونو مادلین نماینده فدراسیون بین المللی
حقوق بشر

زمان ساعت ده و نیم روز ۲۱ نوامبر ۲۰۰۶
محل: اطاق مطبوعات در پارلمان اروپا

درك عمیق رابطه حزب و فرد و عدم تناقض ایندو و به این اعتبار درك عمیق تر رابطه حزب و جامعه است. برای کمونیسم کارگری، حرزیتی که فرد را با هر بهانه ای زیر میگیرد و هویت و استقلال و اهمیتش را انکار میکند، غیر قابل استفاده است. و متقابلاً فردیتی که منافع خود را ارجح به منافع مشترک حزبی میداند و حرزیت را زیر میگیرد، بدرد کمونیسم کارگری نمیخورد. هر دو سوی این نگرش را به وفور در جامعه بیرون ما داشته ایم و نتایج آن را هم دیده ایم. ما باید به سنتی شکل بدسیم که جامعه علناً ببیند که در حزب کمونیست کارگری هویت فردی نه با سیاست و نه با کار متشکل و نه با حزب تناقض ندارد. حزب سیاسی و اجتماعی اساساً حزب شخصیتهاست، افرادی معتبر و دخیل در مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه که بنا به آگاهی و انتخاب داوطلبانه شان در یک حزب سیاسی مدرن متشکل شدند و تشکل شان را براساس اهداف مشترک اجتماعی شان توضیح میدهند. و اینرا باید اکیداً بدانیم که هر گونه تعارض و تقابلی در این میان حاکی از اینست که یک جای کار لنگ است. اگر رفع تناقض فرد و حزب عملی نباشد و نتوان براساس این دو رکن مکمل حزبی وسیع و منظم و آماده ساخت، چطور میتوان اجتماعی ساخت که در آن شکوفائی و آزادی فرد شرط

حرزیت را اینگونه نگاه کنیم که آمادگی این را داشته باشیم که آرایش مناسب و انطباق متناظر بر نوع فعالیت در هر دوره را عمیقاً ایجاد کنیم. آرایش ما و نوع آن و مقررات ناظر به آن تابع دوره و شرایط و الزامات فعالیت ماست. ما هم باید یک ماشین عظیم حزبی و سرحال و شاداب و با اشتها در خارج ایجاد کنیم و هم برای دست بردن به قیام و جنگ با ارتجاع و گرفتن تمام قدرت و با بخشی از قدرت در ایران در تمام سطوح آماده شویم. آمادگی به معنی حزبی و تشکیلاتی اینجا مد نظر است. حزب در هر شرایطی باید بتواند سطحی از آمادگی سیاسی و تشکیلاتی ایجاد کند و برای ارتقا آن بکوشد. حزب همیشه باید طبق اصول و مصوباتش و قرارهای سازمانی اش قضاوت شود و اصل را بر این گذاشت که حزب حق دارد مگر خلاف آن ثابت شود. حزب باید متحد و منسجم و آماده باشد و این اتحاد و انسجام و آمادگی صرفاً یک مجموعه مقررات و سفت کن شل کن نیست، بلکه یک اتحاد سیاسی وسیع است. منشا اصلی آن دست بردن به قلب آدمها و هدف مشترکشان و انگشت گذاشتن روی آگاهی و انتخاب داوطلبانه شان است. به این دلیل ما میگوئیم باید مرتباً قانع و بسیج کنیم و صفی از کادرها را در هر دوره در مقابل جامعه بگذاریم. در هر شرایطی تحزب و تحکیم حرزیت ما متکی بر

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:**انگلیسی:**

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 639 60
صاحب حساب IKK

آلمانی:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

مراسم بمناسبت پانزدهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران

سی نوامبر سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری است. پانزده سال پیش در چنین روزی، در اوج هیاهوی مدافعین سرمایه و دموکراسی نظم نوینی، منصور حکمت حزب کمونیست کارگری را پایه گذاشت و امروز این حزب به يك نیروی موثر و تعیین کننده در دفاع از آزادی و انسانیت، در مبارزه برای در هم کوبیدن بساط سرکوب و استعمار جمهوری اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری و سوسیالیسم تبدیل شده است. تشکیلات خارج کشور حزب در گرامیداشت این روز در کشورهای متعددی مراسم جشن برپا میدارد و همه دوستانان آزادی و برابری را به شرکت در این مراسم فرامیخواند.

سخنرانی، پیام، اسلاید شو، موزیک و ...**سوئد:**

استکهلم - جمعه ۱ دسامبر از ساعت ۷ بعد از ظهر در Husby träff

گوتنبرگ - شنبه ۲ دسامبر از ساعت ۷ بعد از ظهر در Hammarkullen Folkehus

مالمو - شنبه ۲ دسامبر، از ساعت ۷ بعد از ظهر در Träffhuset واقع در 42 Stadsvägen طبقه ۵

کانادا:

تورنتو - شنبه ۲۵ نوامبر ساعت ۷ - ۱۰ بعد از ظهر در شماره ۵۱۰۰ یانگ استریت، نورث یورک سنتر، سالن بالای کتابخانه، 5100 Yonge Street North York civic Centre

آلمان:

کلن - شنبه ۲ دسامبر از ساعت ۴ بعد از ظهر در Turm Str.3-5

نروژ:

اسلو - شنبه ۲۵ نوامبر از ساعت ۲ تا ۸ عصر در Deichmanske bibliotek Grünerløkka Schous plass 10

فنلاند:

تامپره - شنبه ۲ دسامبر ساعت ۶ - ۱۰ بعد از ظهر Hervanta - Opiskelijankatu 5

مراسم های دیگر بعدا اعلام میشود

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
آبان ۸۵، نوامبر ۲۰۰۶

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
کمونیست
کارگری را
بخوانید و به
حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید!

آدرس و شماره تلفن تماس با دفتر مرکزی حزب:

تلفن: 0046-739318404

فاکس: 0046-8 6489716

ای میل: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی:

I.K.K:

Box: 2110

127 02 Skärholmen – Sweden

به حزب کمونیست کارگری
ایران پیوندید!

